انجنیر سید مختار دریا
۲۸ اکتوبر ۲۰۱۸

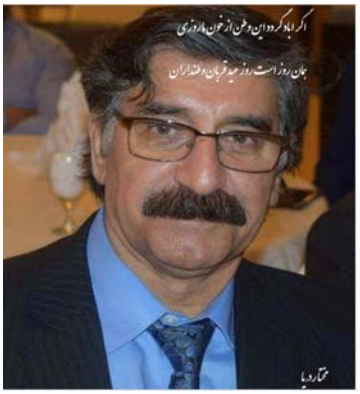

طـومار حیـات

بـر اشکها نگر که چـه لـولیده می رونـد — چـون جویبـار سـرزده از دیـده می رونـد
هر روز زاین حیات که رفته ست رفته است — طـومار زنـدگی ست که پیچیده می رونـد
این روز وسال و ماه که آیند و می رونـد — یک صفحه از حیات تو دزدیده می رونـد
بـر کـودنـی نسل بشـر چـون نظـاره گـر — گردیـده اندو بین که چه خندیده می رونـد
مـا رهـروان وادی دشـت عـدم شـدیـم — بنگـر سـرابها که چه رقصیده مـی رونـد
ایـن رهـروان وادی حیـرانـی و هـوس — با صـد تـلاش با لـب خشکیده مـی رونـد
شـور و حیات و این هـوس بی امان دهـر — چون رعد و برق حادثه رخشیده می رونـد
دریـا بـه سست عهدی نـامردمـان نگـر — بیگانه سـان به سـوی تـو نادیده می رونـد

"مختار دریا" کانادا ۲۸ دسمبر ۲۰۱٦